



# گزارشی به نفع تهران



محمد صادق امینی

"یک عملیات هماهنگ و منظم در برخی روزنامه‌های آمریکایی به جریان افتاده تا این روند را تضعیف کند، کار آژانس را تضعیف کند، من را تضعیف کند. این در حالی است که هیچ مدرک جرمی علیه ایران نداریم و بنابر شواهد موجود، خطر آشکاری که برای مقابله با آن نیاز به فراتر رفتن از دیپلماسی باشد نمی‌بینم. توافق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران برای جلوگیری از یک درگیری لازم است. من از یک طرف ایران را می‌بینم که بدون اینکه ما بتوانیم راستی‌آزمایی لازم را کاملاً انجام دهیم، به غنی‌سازی اورانیوم مشغول است و از طرف دیگر صدای طبل کسانی را می‌شنوم که می‌گویند راه حل این مساله حمله به ایران است. بحث حمله به ایران لرزه بر اندامم می‌اندازد".  
اظهارات فوق متعلق به "محمد البرادعی"



مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که با رایحه یکی از مثبت‌ترین گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ۸ شهریور، به شدت درباره حمله احتمالی آمریکا به ایران هشدار داده است. این اظهارات بعد از آن صورت گرفت که گزارش البرادعی به یکی از مهمترین مسایل مورد بحث میان ایران و آژانس با محوریت موضوع "پلوتونیوم و بازفرآوری" پایان داد و راه را برای حل مسایل باقیمانده باز کرد. هر چند که سنت همیشگی دو پهلویی در بخش‌هایی از گزارش البرادعی محفوظ است اما گزارش اخیر مدیرکل آژانس حاوی نکات مهمی از جمله اعلام رسمی مختومه شدن پرونده پلوتونیوم و آلودگی‌های خارجی اورانیوم در ایران است که باعث شده فضای مثبتی به نفع ایران در جامعه بین‌المللی به وجود بیاید و همچنین مانع تشدید فضای سیاسی در نیویورک علیه تهران شود.

البرادعی در گزارش اخیر خود هر چند "برنامه اقدام" میان ایران و آژانس را گامی چشمگیر و رو به جلو توصیف کرده، اما در عین حال همچون گذشته خواستار اعتمادسازی ایران درباره گستره و ماهیت

برنامه‌های کنونی و آینده هسته‌ای اش شده است. او یک بار دیگر نیز از ایران خواست تا در اولین زمان ممکن مطابق درخواست شورای حکام و شورای امنیت پروتکل الحاقی را تصویب و به مرحله اجرا درآورد.

حال با انتشار گزارش البرادعی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مختومه اعلام کردن موضوع آزمایشات پلوتونیوم در مجموعه پرسش‌های آژانس از ایران، به نظر می‌رسد که شکاف تازه‌ای میان آژانس با آمریکا و متحدانش از سوی دیگر ایجاد شده است. مقامات آمریکایی بر این باورند که به کار گرفتن کلمه "حل شده" در رابطه با موضوع آزمایشات پلوتونیوم در ایران مشکل آفرین است و از نظر آنها این موضوع حل نشده باقی مانده است. انتقادات تازه از البرادعی در شرایطی صورت می‌گیرد که در طول سال گذشته و قبل از اینکه وی از توافقی‌اش با تهران پرده بردارد، دولت‌های غربی به خاطر برعهده گرفتن سرپرستی پرونده ایران اعتراضات رسمی خود را به وی اعلام کردند. حتی برخی از کارکنان خود البرادعی نیز صبر و تحمل خود را از دست داده و رهبری وی و آنچه را که آنها همدردی وی با ایران



همان اول به سخنان البرادعی گوش داده بودیم، اکنون با فاجعه جنگ عراق روبه‌رو نبودیم.

با این حال توافق ایران و آژانس پس از سه دور گفت‌وگو، گزارش مثبت البرادعی نسبت به گزارش‌های قبلی‌اش در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران و رفع ابهام از موضوع مهم پلوتونیوم، فرصتی بزرگ را پیش روی مقامات ایران قرار داده تا در راستای همکاری با آژانس و پاسخ به پرسش‌های باقیمانده، پرونده هسته‌ای تهران از شورای امنیت به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگردد، چرا که توافق با آژانس بر سر یک جدول زمانی به معنای حل پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل نیست و به همین دلیل نیز مقامات ایران بارها خواستار بازگشت پرونده به آژانس شده و تنها راه حل پرونده هسته‌ای ایران را بررسی مجدد آن در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌دانند.

### اظهارات جنگ‌طلبانه کوشنر؛ آغاز جنگ سرد با تهران

اما موضوع دیگری که علاوه بر گزارش البرادعی قابل بررسی است، اظهارات جنگ‌طلبانه "برنار کوشنر" وزیر خارجه فرانسه است که بعد از انتشار گزارش البرادعی از جهان خواست برای بدترین گزینه در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران (اقدام نظامی) آماده باشند. این موضع‌گیری و اظهارات عجیب‌تر "تیکلاس سارکوزی" رییس جمهوری فرانسه مبنی بر اینکه تهران سعی دارد به بمب هسته‌ای دست یابد، علاوه بر اینکه شوک جدیدی به تعاملات سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل وارد کرد، نشان داد که جنگ سرد با ایران خاموش و بیصدا، مخفیانه و به دور از چشم دوربین‌ها شروع شده است. سارکوزی که از "ژاک شیراک" رییس جمهور سابق فرانسه به واشنگتن نزدیک‌تر است، تعطیلات تابستانی خود را به همراه جرج بوش، رییس جمهور آمریکا گذراند. سخنان او که به نحو رک و جدی همیشگی‌اش بیان شد، به عنوان هشدار به تهران و کشورهایایی که تمایل به تشدید تحریم‌ها علیه ایران ندارند تلقی شد.

### چند حقیقت در مورد پرونده هسته‌ای ایران

□ پرونده هسته‌ای ایران راه حل نظامی ندارد. توجه به این نکته ضروری است که جنگ عراق نشان داد که با زور نمی‌توان کاری از پیش برد. این در

### در حالی که اعتبار

### آمریکا در زمینه

### اطلاعات هسته‌ای

### شدیدا به تحلیل رفته

### و دیپلماسی اروپا در

### قبال ایران متوقف

### مانده، بر ضرورت

### حضور البرادعی

### افزوده شده است

به این کشور بارها هشدار داد که صدام به دنبال دستیابی به بمب هسته‌ای است و از بازرسان هسته‌ای آژانس خواست این دیدگاه را تایید کنند. البرادعی در ماه مارس سال ۲۰۰۳ به شورای امنیت سازمان ملل گفت که بازرسان آژانس پس از سه ماه هیچ مدرک یا نشانه منطقی حاکی از سرگیری برنامه تسلیحاتی هسته‌ای عراق پیدا نکرده‌اند، و هنگامی که جرج بوش عراق را به تلاش برای خرید اورانیوم در آفریقا متهم کرد البرادعی این خبر را رد کرده و آن را نادرست خواند. وی درباره حمله به عراق که ۱۳ روز بعد رخ داد می‌گوید: "آن روز ناراحت‌کننده‌ترین روز زندگی‌ام بود". توماس فرانک، یک استاد بازنشسته حقوق بین‌الملل در کالج حقوق دانشگاه نیویورک نیز در این باره می‌گوید: اگر از

می‌دانستند، زیر سوال بردند.

هر چند که روند رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران، موجب مناقشه لفظی میان محمد البرادعی، دبیرکل آژانس انرژی اتمی و آمریکا شده، ولی علی‌رغم سیل انتقاداتی که به واسطه توافقنامه ایران و آژانس نثار البرادعی شد، آنچه وی را در مرکز صحنه نگاه داشته یک حقیقت عملی است: او تنها امید همه است. در حالی که اعتبار آمریکا در زمینه اطلاعات هسته‌ای شدیدا به تحلیل رفته و دیپلماسی اروپا در قبال ایران متوقف مانده، بر ضرورت حضور البرادعی افزوده شده است. در واقع می‌توان گفت که البرادعی نقش میانجی را بر عهده دارد زیرا آمریکا و ایران به یکدیگر باور ندارند و بی‌اعتنایی شدیدی بین آنها وجود دارد که این امر وضعیت را برای میانجی بسیار دشوار می‌کند. برای قدرت‌های جهانی وی بهترین منبع اطلاعات درباره پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران است (اطلاعاتی که واشنگتن از آن استفاده می‌کند تا تهران را به عنوان یک خطر قریب‌الوقوع جهانی جلوه دهد). حتی ایران نیز به البرادعی نیازمند است، زیرا مانورهای وی احتمال کاهش و حتی توقف تحریم‌های سازمان ملل را به دنبال دارد.

البته طرفداران البرادعی با اشاره به حقانیت وی در زمینه عراق (مبنی بر اینکه هیچ گونه مدرکی حاکی از وجود برنامه فعال هسته‌ای در عراق حاصل نشده است) بر این عقیده‌اند که این امر دلیل خوبی برای گوش دادن به سخنان وی است. هنگامی که موضوع عراق مطرح شد، دولت بوش قبل از حمله

حالی است که آمریکا در صورت حماقت برای حمله به ایران، با چالش‌ها و تهدیدات بسیار بدتری که حتی نمی‌تواند تصور آن را نیز بکند مواجه می‌شود. به همین علت برخورد با تهران تنها باید براساس گزارش‌های حرفه‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گیرد نه تصمیمات یک جانبه کشورهای غربی. این موضوع از آن جایی حایز اهمیت است که جنگ با ایران می‌تواند سبب وخیم‌تر شدن اوضاع در خاورمیانه شود که بدون جنگ نیز از این بدتر نمی‌شود. اقدام نظامی (علیه ایران) می‌تواند بزرگترین اشتباه سیاست خارجی آمریکا باشد. همگی متفق‌القول هستند که اقدام نظامی بر ضد ایران عواقب فاجعه‌آمیزی را چه برای منطقه و چه در سطح بین‌المللی به بار خواهد آورد. اقدامات جدید تنبیهی علیه ایران، می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند و احتمالا نتیجه معکوس داشته باشد. لفاظی‌های سیاسی تهدیدآمیز و تندروانه می‌تواند موجب اقداماتی شود که بعدها تاسف برانگیز باشد. هیچ سیاستمداری در غرب نباید بی‌اهمیت از کنار این مساله عبور کند که پرونده ایران ارتباط تنگاتنگی با صلح، امنیت و ثبات در خاور نزدیک دارد.

□ پرونده هسته‌ای ایران باید از شورای امنیت به آژانس برگردد. همکاری اخیر تهران و آژانس نشان داد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صورت عدم مداخله آمریکا و کشورهای اروپایی از قدرت لازم برای حل مساله هسته‌ای ایران برخوردار است. □ مساله هسته‌ای ایران باید از راه مذاکره حل شود. پیش از آنکه درباره جنگ جدید گفت‌وگو شود، باید زمان کافی برای اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در نظر گرفته شود. زیرا یک جنگ جدید فقط تراژدی جدیدی را به دنبال خواهد داشت. بهترین گزینه برای حل پرونده هسته‌ای ایران، دیپلماسی و ادامه مذاکرات است. این راه حلی است که دربرگیرنده منافع جمعی اعضای جامعه جهانی نیز است. گزارش البرادعی تاکید می‌کند که ایران در حال حاضر تهدید قریب‌الوقوعی برای جامعه بین‌المللی محسوب نمی‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که تاخیر در مذاکرات می‌تواند عواقب منفی به دنبال داشته باشد. □ دیپلماسی تنها گزینه‌ای است که نتیجه آن می‌تواند برای تمام طرفهای درگیر رضایت‌بخش باشد. درباره ایران نباید فراتر از دیپلماسی رفت زیرا فضا برای مذاکره درباره مساله هسته‌ای ایران وجود دارد. تحریم‌ها به تنهایی این مساله را حل نمی‌کند و این در حالی است که آژانس در گزارش جدید خود

اعلام کرده که هیچ تاسیسات هسته‌ای اعلام نشده‌ای را که در حال کار در ایران باشد، ندیده و هیچ شواهد عینی مبنی بر اینکه برنامه ایران تسلیحاتی شده، ندارد.

□ آمریکا باید از اصرار برای تعلیق خودداری کند و ایران هسته‌ای را بپذیرد. گذر زمان نشان داده که تعلیق غنی‌سازی به عنوان پیش شرط برای مذاکرات مستقیم بین تهران و واشنگتن تلاش بی‌فایده‌ای بوده است. ایران در برنامه هسته‌ای خود

بسیار جلوتر از آنچه که بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی می‌کردند، پیشرفت کرده و گواه این گفته نیز گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که می‌گوید تهران پیشرفت قابل توجهی در فعالیت‌های غنی‌سازی داشته است. درخواست واشنگتن مبنی بر اینکه ایران باید به عنوان پیش شرط برای مذاکرات مستقیم، ابتدا فعالیت‌های غنی‌سازی را تعلیق کند، یک تلاش بی‌فایده است.

□ جهان می‌تواند ایران هسته‌ای را تحمل کند. راههایی برای زندگی با ایران هسته‌ای وجود دارد، آمریکایی‌ها باید قبول کنند که با شوروی هسته‌ای زندگی کردند، با چین هسته‌ای و سایر قدرتهای هسته‌ای زندگی می‌کنند، بنابراین این می‌تواند با ایران هسته‌ای نیز زندگی کنند.

□ آمریکا خطر القاعده و بمب هسته‌ای در کشور ناامنی مثل پاکستان را جدی نگرفته و همچنان سعی در نشان دادن ایران به عنوان تهدیدی برای منطقه خاورمیانه دارد. در واقع می‌توان گفت که آمریکا نگران "کشور اشتباهی" است. می‌توان هر هفته قطعنامه شدید‌اللحن و یا نرمتری را در این رابطه صادر کرد، ولی این کار منجر به حل و فصل مساله هسته‌ای ایران نخواهد شد.

□ اتحادیه اروپا باید مراقب اظهارات سران خود باشد. تهران باید این مساله را به اروپا بفهماند که اگر اتحادیه اروپا بخواهد جایگاهی را که برای خود در نظر گرفته حفظ کند، باید در مقابل اظهارات غیرمسئولانه برخی مقامات اروپایی موضعگیری کند.

## آمریکا خطر القاعده و بمب هسته‌ای در کشور ناامنی مثل پاکستان را جدی نگرفته و همچنان سعی در نشان دادن ایران به عنوان تهدیدی برای منطقه خاورمیانه دارد

شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

